

عوامل وحدت امت اسلامی بسیار و شمارش‌ناپذیرند و به خواست الله سبحانه‌وتعالی، زمان زیادی نخواهد گذشت تا این امت دوباره زمام امور خویش را به دست گیرد و بار دیگر با جنبش خود، تمام جهان را غافلگیر کند؛ جنبشی که تخت‌های ستمگران را به لرزه درآورده و آن‌ها را در هم می‌کوبد و به نظام‌هایی که هرگز خبری از آن‌ها ندیده است، به طور کامل پایان می‌دهد، تا دولت عزت و کرامت را برپا سازد؛ همان وعده الله سبحانه‌وتعالی و بشارت رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم؛ یعنی خلافت راشده دوم بر منهج نبوت. «وَيَوْمَئِذٍ يَفْرَحُ الْمُؤْمِنُونَ ﴿١﴾ بَنَصْرِ اللَّهِ يَنْصُرُ مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ» «و در آن روز، مؤمنان به سب نصرت و یاری الهی شادمان می‌شوند؛ هر که را بخواهد یاری می‌دهد و او عزیز و رحیم است».



در این شماره می‌خوانید:

عادی‌سازی و سرمایه‌گذاری؛ دو بال سیاست جدید آمریکا در شرق عربی (بخش اول).... ۲

انگیزه‌ها و پیامدهای عقب‌نشینی آمریکا از ۶۶ سازمان بین‌المللی.... ۲

هنگامی که فساد ابزاری برای حکمرانی است و نه یک اختلال اداری.... ۴

نقش عملکردی ترکیه اردوغان در زمینه‌سازی برای عادی‌سازی روابط با یهود.... ۴

چهارشنبه ۱۶ شعبان ۱۴۴۷ ه‍.ق، ۴ فوریه ۲۰۲۶ م، ۱۵ بهمن ۱۴۰۴ ش.

پیشوایی که هرگز به پیروانش دروغ نمی‌گوید

شماره: ۵۸۵ تعداد صفحه: ۴

مقاله برگزیده

شاهدی از اهل خودشان گواهی داد: که

نظام بین‌الملل دروغی بزرگ است

استاد اسعد منصور

مارک کارنی، نخست‌وزیر کانادا، به دروغ‌هایی که نظام بین‌الملل بر پایه آن‌ها بنا شده است اعتراف کرد؛ نظامی که آمریکا آن را تأسیس نمود و کشور او نیز از آن بهره‌مند گشت. وی در سخنرانی تاریخی خود در تاریخ ۱۷/۱۲/۲۰۲۶ در جریان فعالیت‌های مجمع جهانی اقتصاد در داووس سوئیس، با ارائه دیدگاه‌هایی افشاگرانه و انتقاداتی تند، کشورهای با قدرت متوسط را به اتحاد فراخواند، چرا که دیگر نمی‌توان «درون یک دروغ زندگی کرد». آنچه کارنی را برانگیخته، سخن ترامپ است که گفته: «کانادا به لطف آمریکا زنده است» و او را به تهام و الحاق به آمریکا تهدید کرده است؛ وگرنه، آنچه آمریکا در طول تاریخ سببش انجام داده، در برنیکینجته، نه آنچه آمریکا در افغانستان از کشتار، مجروح کردن و آواره ساختن میلیون‌ها نفر و نابودی کشور به مدت ۲۰ سال به نام نظام بین‌الملل و اجرای قانون بین‌الملل انجام داد (درحالی‌که کشور او نیز بمعاون عضوی از ناتو در این جنایت با آمریکا مشارکت داشت) و نه آنچه آمریکا در عراق، سومالی و بسیاری از کشورهای آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین مرتکب شد، هیچ‌کدام او را به واکشش و نداشت.

بلکه او به مشارکت کشورش با آمریکا که رهبری نظام بین‌الملل را بر عهده داشت اعتراف کرد و گفت: «لذا ما تابیلوی پشت و تا حد زیادی از اشاره به شکاف‌های موجود میان گفتار و واقعیت اجتناب کردیم، اما این معامله دیگر کارایی ندارد»؛ زیرا چاقویی که در دست آمریکاست و کانادا که حامی آن بود، اکنون با سخنان و تهدیدهای ترامپ به گلوئی خود کانادا رسیده است وگرنه این معامله همچنان کارا باقی می‌ماند؛ وی اعتراف کرد که کشورش با آمریکا همراهی کرد، چون از سلبه آمریکا بر جهان سود می‌برد و گفت: «سلبه آمریکا به طور ویژه به فراهم‌کردن منافع عمومی، سبب‌های باز، نظام مالی پایدار، امنیت جمعی و حمایت از چارچوب‌های حل منازعات کمک کرد» و البته تمام این‌ها به نفع آمریکا و متحدانش از جمله کانادا و به قیمت نابودی کشورهای ضعیف بود.

او درین‌حال اعتراف می‌کند که آن‌ها در گشتمان خود درباره آزادی، حقوق بشر و کمک به ملت‌ها نقای می‌ورزند، درحالی‌که واقعیت یعنی پایمال‌کردن کرامت و حقوق انسان‌ها و سرقت ثروت ملت‌ها، آن‌ها را تکذیب می‌کند؛ چرا که کشور او، کانادا، عضوی از گروه ۷ استعمارگر است که در مسائل مالی و سیاسی جهان بازیگری می‌کنند تا مصوبات خود را بر سایر کشورها تحمیل کنند.

این‌ها سرمایه‌داران دزدی هستند که وقتی با هم اختلاف پیدا می‌کنند، دست یکدیگر را رو می‌کنند و این نه از سر صداقت است و نه به دلیل اهمیت‌دادن به کشورهای ضعیف، بلکه او به سمت کشورهای با قدرت متوسط رفت و آن‌ها را به اتحاد برای کمک به خودش در برابر آمریکایی‌که کشورش را تهدید می‌کند فراخواند و گفت: «کشورهای با قدرت متوسط باید با هم حرکت کنند، زیرا اگر بر سر نیز نشنستند باشند، جزو فهرست غذا خواهند بود»، یعنی آمریکا آن‌ها را خواهد بلعد.

او تاکید کرد که کشورش با اعتراف به چلی بودن و فساد نظام بین‌المللی که در آن مشارکت داشته، در قلم به ملت‌ها سهیم بوده است و گفت: «ما می‌دانستیم که داستان نظام بین‌الملل مبتنی بر قواعد، تا حدودی چلی بود و قدرتمندان هر جا که مناسب می‌دیدند خود را از آن مستثنی می‌کردند و قواعد جهانی به شکل نابرابر تحمیل می‌شد. ما درک می‌کردیم که تفاوت بین‌الملل با سخت‌گیری متفاوتی اجرا می‌شد که به هویت منتهم یا قربانی بستگی داشت».

پس هنگامی که مفهوم کشوری ضعیف یا کشوری اسلامی باشد، قانون بین‌الملل با سخت‌گیری تمام بر او اجرا می‌شود؛ همان‌گونه که بر افغانستان، عراق، سومالی، سودان و دیگر کشورها اجرا شد.

این نظام بین‌الملل را آمریکا پس از جنگ جهانی دوم برپا کرد و آن را در قالب سازمان ملل متحد، شورای امنیت و بسیاری از سازمان‌های بین‌المللی در تمامی زمینه‌ها شکل داد تا بر جهان

ادامه صفحه ۳



حوادث سوریه و عقب‌نشینی قسد (نیروهای

دموکراتیک سوریه)

عالم گرانقدر شیخ عطا بن خلیل ابو الرشته



سوال: حوادث در شمال شرق سوریه با شتاب بسیاری در حال جریان است و قسد با سرعتی فوق‌العاده کنترل مناطق را از دست می‌دهد و نظام سوریه آن‌ها را تحویل می‌گیرد؛ این اتفاقات چگونه رخ داد؟ این موضوع با توجه به اینکه هم نظام و هم قسد هر دو مزدور آمریکا هستند، چگونه قابل‌درک است؟ علیرغم اینکه چرخ‌سبز آمریکا به دولت سوریه برای تصرف آن مناطق همچون خورشید تابان آشکار است، دولت ترامپ در سوریه و اطراف آن چه نقشه‌ای در سر دارد؟

جواب: برای روشن‌شدن پاسخ پرسش‌های فوق، موارد زیر را ۲-۱۸ امروز ترامپ به این نتیجه رسیده است که دولت احمد بربسی می‌کنیم؛ اول: مراحل حمایت آمریکا از نیروهای قسد در سوریه: ۱- نیروهای دموکراتیک سوریه (قسد) ائتلافی گسترده است که در اکتبر ۲۰۱۵ با هدف مبارزه با سازمان دولت (داعش) تأسیس شد و متشکل از جنگجویان کرد، عرب، سیرانی، ارمنی و ترکمن است. بزرگترین جزئی از قسد، یگان‌های مدافع خلق (YPG) یگان‌های مدافع زنان (YPJ) هستند که مسئول امنیت و دفاع از مناطق کانتون‌های مدیریت خودگردان اعلام شده در روزاوا می‌باشند... (ویکی‌پدیا) آمریکا از زمان تأسیس قسد در سال ۲۰۱۵ و از زمان مداخله نظامی‌اش در سوریه در سال ۲۰۱۲ که پیش از مداخله روسیه بود، در حمایت از این نیروها با فشاری کرد. نیروهای آمریکایی برای قسد حفاظت هوایی فراهم کرد و حمایت‌های مالی و تسلیحاتی فراوانی به پای آن‌ها ریختند. پایبندی آمریکا به قسد تا حدی بود که در فوریه ۲۰۱۸ مسدود تن از نیروهای «واکنز» روسیه را که قصد داشتند از دور فرات به سمت شرق عبور کنند، به قتل رساند. همچنین آمریکا در برابر تمام اظهارات و تلاش‌های ترکیه برای ضربه زدن به قسد (الجزیره نت، ۲۰۱۶/۰۱/۲۱).

می‌ایستاد. به این ترتیب، حمایت آمریکا از قسد از بدو تأسیس شامل فراهم کردن پوشش نظامی هوایی، حمایت سیاسی، مالی، تسلیحاتی و تسهیل تسلط آن‌ها بر زمین‌های حاصلخیز اطراف فرات، چاه‌های نفت و گاز و ایستگاه‌های برق بود. مخالفت آمریکا با اعتراضات ترکیه علیه این سیاست در شمال شرق سوریه، هنگامی در راستای تجهیز ابزارهای آمریکا برای جنگ با اسلام بود، در صورتی که خلافت اسلامی از دمشق آغاز می‌شد.

ادامه صفحه ۳

ای مسلمانان، آیا به اسباب قدرت خود، یعنی دین و خلافتان باز نمی‌گردید؟

سختی‌ها و شدائد، محک مردان است؛ آیا پس از این سختی، سختی دیگری متصور است؟ شما از امتی بزرگ هستید که بر ستم خوب نمی‌روید؛ امتی که ملییه‌ها را شکست داد و بر تاتارها چیره شد و سپس بار دیگر بر جهان سروری کرد، پس از آنکه ملییه‌ها و تاتارها همدشان نابودی این امت بود. ناگهان این امت دوباره بیا خاست، فلسطینی‌ها را فتح کرد و دروازه‌های وین را کوبید و این بدان جهت بود که امت به اسباب قدرت خویش، یعنی دین و حفاظتش بازگشت و بر دنیا سروری کرد؛ آن هم پس از آنکه دشمنانش گمان می‌کردند کار امت تمام شده است، اما وقتی از خواب غفلت برخاستند، دیدند آنچه تصور کرده بودند خوابی آشفته بیش نبوده است. پس ای مسلمانان، آیا به اسباب قدرت خود، یعنی دین و حفاظت آن باز نمی‌گردید؟ که دیگر کار از کار گذشته و کار به استخوان رسیده است؛ پس ای صاحبان بصیرت، عبرت بگیرید و بدانید که مصیبت وقتی واقع شود، تنها به غلط‌های ظالم نمی‌رسد، بلکه کسانی را که در برابر ظلم آنان سکوت کرده‌اند نیز در بر می‌گیرد. الله سبحانه‌وتعالی می‌فرماید: «وَتِلْكَ الْأَمْثِلُ لِقَوْمٍ أَعْمُوا» و آن قندهای پرهیزد که تنها به کسانی از شما که ستم کرده‌اند نمی‌رسد و بدانید که الله سبحانه‌وتعالی سخت‌گیر است» و احمد در مسند خود از مجاهد نقل کرده است که گفت: «والای ما برابیم بازگو کرد که از پدر بزرگم شنیده است که می‌گفت: از رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم شنیدم که می‌فرمودند: «هناك الله سبحانه‌وتعالی عامه مردم را به خاطر عمل گروهی خاص عذاب نمی‌کند، مگر آنکه مکر را در میان خود ببینند و توانایی نهی از آن را داشته باشند اما نهی نکنند؛ پس هرگاه چنین کنند، الله سبحانه‌وتعالی آن گروه خاص و عامه مردم را با هم عذاب می‌کند»؛ ابن ابی‌شیبہ نیز این را در مسند خود آورده است. برگرفته از نشریات امیر حزب‌التحریر، عالم القدر عطا بن خلیل ابو الرشته

ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، پیمان‌نامه ایجاد «شورای صلح» را طی مراسمی رسمی در حاشیه مجمع جهانی اقتصاد در شهر داووس سوئیس، با مشارکت مقامات و رهبرانی به نمایندگی از چندین کشور امضا کرد. کارولین لیویت، سخنگوی کاخ سفید، در این مراسم که با حضور جمعی از رهبرانی که دعوت ترامپ برای پیوستن به این شورا را پذیرفته بودند برگزار شد، گفت: «آقای رئیس‌جمهور ترامپ تبریک می‌گویم؛ این پیمان و میثاق اکنون به اجرا درآمده و شورای صلح به یک سازمان بین‌المللی رسمی تبدیل شده است».

کشورهای امضاکننده پیمان‌نامه ایجاد این شورای ترامپ عبارتند از: اردن، عربستان سعودی، قطر، بحرین، امارات، ترکیه، مراکش، قزاقستان، مجارستان، اندونزی، آژراتین، ارمنستان، پاراگوئه، پاکستان، کوزوو، آذربایجان، بلغارستان، مغولستان، ازبکستان، به اضافه آمریکا که رئیس‌جمهور این ریاست این شورا را به عهده دارد. ایده اولیه این شورا اساساً برای تقویت بر بازسازی نوار غزه شکل گرفت، اما پیمان‌نامه آن بر مأموریت‌های بسیار گسترده‌تری تاکید دارد که شامل تلاش برای حل درگیری و نزاع‌های دیگر در نقاط مختلف جهان می‌شود. ترامپ گفت: «غزه مکانی است که شورای صلح عملاً از آنجا آغاز شد؛ متعقدم اگر بتوانیم در غزه موفق شویم، می‌توانیم آن (شورای صلح) را به موضوعات دیگر نیز گسترش دهیم».

در برابر این واقعیتی که تلاش می‌کند به طمع‌ورزی‌های استعماری آمریکا و کبان بیود در غزه و تمام سرزمین مبارک مشروعبت ببشد، بیایه مطبوعاتی صادر شده توسط دفتر رسانه‌ای مرکزی حزب‌التحریر در موارد زیر تاکید کرد:

۱- ترامپ با تکبر و خودبیزگینی خود تلاش می‌کند استعمار آمریکا را بر جهان تحمیل کند و به هر نحوی به این استعمار مشروعبت ببشد؛ او تنها به بودن رئیس‌جمهور ورتونا و همسرش بسنده نکرد، بلکه تهدید به تصاحب گریزند کرده و پیش از این نیز کانادا، مکزیک، کلمبیا، گویا و کشورهای دیگر را تهدید کرده بود. او می‌خواهد جنگ روسیه و اوکراین را به‌گونه‌ای پایان دهد که منافع آمریکا تأمین شود؛ او به عرفه‌ای بین‌المللی پشت کرده و حاکمیت کشورها را نقض می‌کند و بلکه می‌خواهد بسیاری از آن‌ها را به ابزاری برای تحقق طمع‌ورزی‌های خود تبدیل کند.

۲- مردم تنها کسی نیست که مرتکب جنایت می‌شود، بلکه هر کسی که در جنایت او شریک شود نیز مانند او مجرم است؛ و هر کسی توانایی جلوگیری از ارتکاب جنایت او را داشته باشد و انجام ندهد؛ مانند او مجرم است، و کسی که در برابر او سکوت کند نیز مجرم است. از این‌رو، ما تاکید می‌کنیم که تمامی کشورهای شرکت‌کننده در امضای این پیمان‌نامه ایجاد شورای صلح و کشورهای که بعداً آن را امضا خواهند کرد، شریک در جنایت استعمار غزه توسط آمریکا هستند.

۳- تمام اسلامی نام هر کسی را که در حق او جنایت کرده است در حافظه خود حکم می‌کند و هر قدر هم که زمان بگذرد آن را فراموش نخواهد کرد؛ و زمانی که الله سبحانه‌وتعالی با نصرت خود بر این امت منت نهاده و خلافتش را برپا سارت، آمریکا و کشورهای را که در جنایت علیه غزه، تمام فلسطین و دیگر بلاد شریک بوده‌اند، بازخواست خواهد کرد.

۴- حزب‌التحریر آن پیشرویی که به مردم خود دروغ نمی‌گوید، خواهد بود که در کنار فرزندان امت اسلامی و صاحبان قدرت و شکوه در میان آنان رای برای بیایه خلافت دوم بر منهج نبوت استوار می‌سازد؛ خلافتی که بلاد مسلمین را زیر پرچم خود متحد کرده و ارتش‌های مسلمانان را به ارتشی واحد و عقیم تبدیل می‌کند تا از هر کسی که بر مسلمانی جنایت کرده انتقام بگیرد، پس ما به شما نسبت به بزرگی جنایتان در حق امت خودمان و نسبت به پیامدهای خشم این امت هشدار می‌دهیم؛ پس به خود بیایید و پیش از آنکه دشمنان شما را از این شوری استعماری عقب‌نشینی کنید که آن زمان دیگر هیچ پای پشیمانی نیست: «وَسَيُعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَىَ مَقْلَبٍ يَنْقَلِبُونَ»، «و کسانی که ستم کرده‌اند به زودی خواهند دانست به چه بازگشتگاهی باز می‌گردند».

عادی سازی و سرمایه گذاری؛ دو بال سیاست جدید آمریکا در مشرقِ عربی (بخش اول)

استاد احمد القصصی



آنچه امروز از تحولات سریع در منطقه، در لبنان، فلسطین، سوریه و عراق شاهد هستیم، جایی که حوادث بزرگ پس از عملیات طوفان الاقصی با سرعتی هولناک پدیدار گشته است؛ از کشتارها، ویرانی‌ها و اقدامات جنایتکارانه‌ای که آمریکا به دست پرورده‌اش رژیم یهود انجام داد، تا نابودی قدرت حزب ایران در لبنان و از بین بردن قدرت ایران در سوریه و سپس تحویل قدرت در سوریه به هیئت تحریر الشام؛ همگی گویي تحت یک عنوان واحد هستند؛ اینکه آمریکا دریافته است که زمان اجرای نقشه‌ای قدیمی فرا رسیده است؛ نقشه‌ای که در مراحل پیشین برای پیشبرد آن تلاش کرد اما هر بار با لغزش و شکست مواجه شد و اکنون می‌بیند که فرصت برایش گشته است.

آمریکا از زمان به سرپرستی گرفتن رژیم یهود (پس از آنکه بریتانیا آن را پدید آورد)، هدفش این بود که این موجودیت را در منطقه تثبیت کند و آن را به یک رژیم طبیعی در میان مجموعه‌ای از نظام‌های پیرامونش تبدیل نماید و پرونده‌ای به نام «آرام خاورمیانه» یا «نزاع عربی-اسرائیلی» را در هم بیچد تا یک عادی‌سازی فراگیر و کامل با این رژیم شکل بگیرد. اما شرایط پیچیده منطقه و تعدد بازیگران، مانع از اجرای این هدف می‌شد؛ افزون بر اینکه آمریکا مشغول پرونده‌های دیگری بود که آن‌ها را دارای اولویت می‌دید، به‌ویژه در سال‌های انقلاب‌های عربی، چرا که اولویتش سرکوب این انقلاب‌ها بود؛ خصوصاً در سوریه که به مدت سیزده سال نظام را حفظ کرد تا مانع از برپایی یک دولت اسلامی مستقل در تصمیم‌گیری شود. بدین ترتیب، از سال ۲۰۱۵ سوریه و لبنان را تحت قیمومیت ایران قرارداد، علاوه بر قیمومیتی که بر عراق داشت و نقش‌هایی که در سوریه بخشیده بود. افزون بر این، آمریکا اهمیت بسزایی برای منطقه شرق دور قائل است تا در درجه اول با چین و قدرت اقتصادی فزاینده‌اش مقابله کند؛ لذا چنین می‌پنداشت که منطقه خاورمیانه جایگاه خود را به نفع توجه به شرق دور، محاصره حیرت‌انگیز ایجاد اتحاد بین‌المللی و منطقه‌ای علیه آن از دست داده است. از اینرو تصمیم گرفت در منطقه کمی به عقب بنشیند تا نقش‌هایی را به دیگر قدرت‌های منطقه‌ای و در رأس آن‌ها ایران و سپس ترکیه، در کنار نقش روسیه واگذارد و خود امور را از دور هدایت نماید.

بعدها روشن شد که حزب جمهوری‌خواه به این سیاست‌ها که ابوابی دموکرات در پیش گرفته بود، قانع نبود. به محض رسیدن ترامپ به کاخ سفید، او توافق هسته‌ای با ایران را لغو کرد و شروع به محدودکردن نفوذ آن نمود و آشکارا فرامانده نیروهای نظامی برون‌مرزی‌اش، قاسم سلیمانی را به قتل رساند تا برگه‌های منطقه را در دست بگیرد، اما نقشه‌هایش شکست خورد و در انتخابات بعدی نیز ناکام ماند. دموکرات‌ها بازگشتند و تا حدی رابطه با ایران را ترمیم کردند و در نتیجه، روند تغییر در منطقه کند شد. اما نکته قابل‌توجه پس از عملیات طوفان الاقصی این بود که بایدن دموکرات در اواخر دوره ریاست‌جمهوری‌اش تصمیم‌گیری طرح پایان‌دادن به نفوذ ایران در منطقه را با جدیت پیش برد؛ عملیات انفجار [پیجر] هزاران جنگجوی حزب ایران در لبنان و ترور تقریباً تمامی فرماندهان صف اول و دوم آن در عهد او، پیش از انتخابات و پیش از آنکه پیروزی ترمف مشخص شود، رخ داد. سپس ترامپ آمد و با سرعت برای تکمیل این مأموریت هجوم آورد.

ترامپ چه می‌خواهد؟ به سادگی، ترامپ و عموم محافل سیاسی آمریکا اکنون بر سر ضرورت در دست‌گرفتن مستقیم منطقه به توافق رسیده‌اند. آمریکا دیگر نمی‌خواهد قیمومیت منطقه مشرق عربی را به کسی واگذارد و کند و می‌خواهد در لبنان، عراق، سوریه و سایر نقاط منطقه،

انگیزه‌ها و پیامدهای عقب‌نشینی آمریکا از ۶۶ سازمان بین‌المللی

استاد احمد الخطوانی

پس از آنکه دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور، یادداشتی به همکاری‌های جهانی و روابط بین‌الملل مربوط می‌شد خارج ریاستی را امضا کرد که به موجب آن ایالات متحده با «شده است؛ از جمله «مرکز تجارت بین‌الملل»، «کنفرانس این ادعا که سازمان‌های بین‌المللی دیگر در خدمت منافع تجارت و توسعه سازمان ملل (آنکتاد)»، «سازمان‌های آمریکا نیستند از ۶۶ سازمان خارج می‌شود، تدریس ائتلاف آزادی آنلاین»، «صندوق مشارکت جوامع جهانی ادهانوم گبرسوس، مدیرکل سازمان جهانی بهداشت، و تاب‌آوری»، «مجمع جهانی مبارزه با تروریسم»، «مجمع روز سه‌شنبه هشدار داد که تصمیم واشینگتن برای عقب‌نشینی از این سازمان که رسماً از ژانویه جاری به اجرا درآمده است، ایالات متحده و جهان را ناامن خواهد کرد. تدریس گفت: «در حقیقت این تصمیم درستی نیست» و ابراز امیدواری کرد که ایالات متحده در تصمیم خود بازنگری کرده و به سازمان بازگردد؛ وی افزود بخش بزرگی از فعالیت‌های سازمان جهانی بهداشت برای ایالات متحده مفید است و «به همین دلیل گفتم که ایالات متحده بدون همکاری با این سازمان نمی‌تواند ایمن باشد». خدمات اکوسیستمی» و «مرکز بین‌المللی مطالعه، حفاظت و بازسازی اموال فرهنگی».

بدین ترتیب، آمریکا تمامی پیوندهای همکاری و مشارکت را نظام بین‌الملل را قطع کرده و به جای آن بر یک‌جانبه‌گرایی بی روابط دوجانبه در مناسبات بین‌المللی متمرکز نموده است تمامی آنچه را که به نزدیکی جهانی در برابر متحد و ۳۱ نهاد وابسته به آن می‌شود. مارکو رابو، روابط میان کشورها، جوامع و نهادها منجر می‌شد، نادیده می‌زنند و در تعلیق بر این یادداشت گفت: گرفته است.



رئیس‌جمهور ترامپ امروز خروج ایالات متحده از ۶۶ همچنین آمریکا از سازمان‌های بین‌المللی مربوط به سازمان بین‌المللی را که با آمریکا دشمنی داشته، یا بی‌فایده بوده و یا هدر دهنده منابع هستند اعلام کرد و بررسی وضعیت سایر سازمان‌های بین‌المللی همچنان در جریان است. «شورای اقتصادی و اجتماعی غرب آسیا»، «شورای اقتصادی آمریکا لاتین و کارائیب»، «شورای اقتصادی و اجتماعی غرب آسیا»، «شورای اقتصادی و اجتماعی غرب آسیا»، «شورای اقتصادی و اجتماعی غرب آسیا».

تمامی این عقب‌نشینی‌ها به کشورهای این سه قاره یعنی آسیا، آفریقا و آمریکا لاتین مربوط می‌شود؛ چرا که آمریکا خواهان روابط بین‌المللی الزام‌آور نیست، بلکه به دنبال روابط دوجانبه با آن کشورهاست تا بتواند به‌طور مستقیم آن‌ها را تحت کنترل خود درآورد و تمایلی به توسعه، و حتی سازمان‌های مربوط به کشاورزی مانند کمیته‌های شورای بین‌المللی پنبه و بسیاری سازمان‌های متنوع دیگر را در بر می‌گیرد.

شبکه CNN به نقل از منابعی در کاخ سفید گزارش داد که این عقب‌نشینی منجر به پایان‌یافتن تأمین مالی از سوی ایالات‌دهندگان آمریکایی و توقف مشارکت آن‌ها در نهادهایی می‌شود که به جای اولویت‌های ایالات متحده، برنامه‌های جهانی‌سازی (Globalism) را ترویج می‌کنند و «قانون» و «کمیسون حقوق بین‌الملل» خارج شد. با این اقدام، آمریکا مفاهیم تمدنی مشترک غربی را تضعیف کرد و در عوض بر الگوی آمریکایی خاص خود متمرکز نمود. «صندوق دموکراسی سازمان ملل متحد»، «ائتلاف تمدن‌های سازمان ملل»، «سازمان حاکمیت قانون» و «کمیسون حقوق بین‌الملل» خارج شد. با این اقدام، آمریکا مفاهیم تمدنی مشترک غربی را تضعیف کرد و در عوض بر الگوی آمریکایی خاص خود متمرکز نمود. «صندوق دموکراسی سازمان ملل متحد»، «ائتلاف تمدن‌های سازمان ملل»، «سازمان حاکمیت قانون» و «کمیسون حقوق بین‌الملل» خارج شد. با این اقدام، آمریکا مفاهیم تمدنی مشترک غربی را تضعیف کرد و در عوض بر الگوی آمریکایی خاص خود متمرکز نمود.

پس از این فروریزی، کشورهای جهان می‌توانند به دنبال جدید و سازمان‌های جدید، عرف‌های جدید و سازمان‌های جدید برای خود باشند. آمریکا با این عقب‌نشینی در مقام قدرت اول جهان که فرض بر این بود که آن منظومه بین‌المللی فعلی حمایت کند، به کشورها و جوامع جهان پنهان داد تا جست‌وجو برای جایگزین‌ها و مرجعیت‌های تمدنی و قانونی جدید را آغاز کنند.

حقیقت آن است که امروزه در برابر کشورها و ملت‌های جهان، چیزی که بتواند این خلا را پر کند جز اسلام با عقیده، شریعت و احکامش وجود ندارد و این به دلیل توانایی اسلام در ارائه جایگزین‌ها با افکار، طرح‌ها و دولت‌ها در رابطه با جهانی‌سازی و در هم‌تنیدگی منافع و روابط میان کشورهای جهان، آمریکا از هر آنچه به این موضوع و پذیرش برای تمامی جوامع و ملت‌های زمین باشد.

ادامه:حوادث سوریه و عقب‌نشینی قسد (نیروهای دموکراتیک سوریه)

خود دستور اجرای آن را می‌دهد بدون آنکه پلک بزنند یا شرم و حیا باشد می‌کنند. «آا سالا ما یخکفون» «آگاه باشید که چه بد قضاوت می‌کنند»

ششم: بدین‌گونه، بسیار دردناک است که سوریه پس از این‌همه جان‌فشانی‌هایی که مردمش در راه تغییر نظام و برپایی حکم اسلام تقدیم کردند، این‌چنین مطیع فرمان آمریکا شود تا جایی که آمریکا موفق گردد مزدوران ایرانی را برای دستیابی به کرسی‌های بی‌ارزش خبری‌های کند؛ کسانی که برای بقا بر آن کرسی و تأمین سلطه آمریکا بر تمامی خاک سوریه، شبانه‌روز به خدمت او مشغول باشند. پس چنین مزدوری، از اجاره اسلام و جهاد برای آزادسازی سرزمین‌های اشغال‌شده دست می‌کشد! بلکه سوریه را از جبهه نبرد با دشمن خارج می‌سازد؛ کاری که حتی بشار اسد مجرم و فراری هم جرئت انجامش را نداشت؛ حتی سوریه فراموش کرده یا خود را به فراموشی زده انداخت؛ در آغوش کشیدن آمریکا او را بر کرسی‌اش باقی نخواهد داشت، اگر آمریکا مزدوری تواناتر از او برای خدمت به خود بپاید؛ برای او در سرزوشن پیشینیناش عرت و بلکه عبرت‌هایی است که این قبیحت را در قوی‌های تکلیف تأیید می‌کند. یک‌ایک احکام، یاران و اطرافیانشان که مزدوران آمریکا هستند، پند می‌گرفتند از اینکه چگونه آمریکا مزدورانش را سرگون کرده و به خدمتشان پایان می‌دهد و آنان را در حالی رها می‌کند که آرزوهایشان فروکش کرده و بدون هیچ تاراحتی و ریختن حتی یک قطره اشک، از آنان دست می‌کشند؛ آن هم پس از آنکه برای خدمت به آمریکا در زمین فساد به راه می‌انداختند و سپس هنگامی که با وجود مزدوری جدید و تواناتر از خدمتشان بی‌بازار شد، آنان را به گوشه جاده پرتاب می‌کند؛ و در حق این حکام مزدور، کمال‌الله سبحان‌وتعالی صدق می‌کند که می‌فرماید: «فأذا همم الله الخنزیر فی الخبایة الدنیا ولعذاب الآخرة أکثر لو کنوا یفقهون»، «پس الله سبحانه‌وتعالی وسوایی را در زندگی دنیا به آنان چشاندید و قطعا عذاب آخرت بزرگتر است اگر می‌دانستند».

در هشتم شعبان ۱۴۴۷ هـ

موافق ۲۰۲۴/۰۱/۲۷ م

صورت گرفت. الجزیره نت، ۲۰۲۴/۰۱/۲۰. این توافق تنها انگیزه از شیوه‌های دلبویی را به قسد داد؛ (خبرگزاری سانا روز سه‌شنبه به نقل از ریاست‌جمهوری سوریه گزارش داد که مظلوم عبیدی، فرمانده قسد، نامزدی را از سوی «قسد» برای پست دستیار وزیر دفاع معرفی خواهد کرد، به اضافه پیشنهاد نامزدی برای پست استاندار حسکه و افرادی برای نمایندگی در پارلمان و فهرستی از افراد برای استخدام در نهادهای دولت سوریه. CNN عربی، ۲۰۲۴/۰۱/۲۰). ریاست‌جمهوری اعلام کرد که در صورت توافق، «نیروهای سوریه وارد مراکز دو شهر حسکه و قامشلی نخواهند شد و در حومه آن‌ها باقی می‌مانند تا بعد از درباره جدول زمانی و جزئیات مربوط به ادغام مسالمت‌آمیز استان حسکه از جمله شهر قامشلی بحث شود».

بی‌بی‌سی، ۲۰۲۴/۰۱/۲۰. (دو طرف توافق کردند که نیروهای دولتی سوریه وارد روستاهای گردش‌نشین نشوند و تأمین امنیت آن‌ها را نیروهای امنیتی ارتش سوریه بر عهده بگیرند.

CNN عربی، ۲۰۲۴/۰۱/۲۰.

۲- پس از آنکه آمریکا تصمیم گرفت زندانیان داعش را از زندانی‌هایی که تحت کنترل قسد بود به عراق منتقل کند، قسد از خواست مهلت را تا تکمیل انتقال زندانیان تمدید کند و همین‌گونه شد (وزارت دفاع سوریه تمدید مهلت آتش‌بس با نیروهای دموکراتیک سوریه (قسد) را به مدت ۱۵ روز در حمایت از عملیات آمریکا برای تخلیه زندانیان سازمان دولت اسلامی (داعش) از زندان‌ها اعلام کرد. وزارت دفاع در حساب خود در «X» توضیح داد که این تمدید از ساعت ۱۱ امشب به وقت محلی آغاز می‌شود و این اقدام در حمایت از تخلیه زندان‌های قسد از زندان‌های داعش و انتقال آن‌ها به عراق صورت می‌گیرد. الجزیره، ۲۰۲۴/۰۱/۲۴. به این ترتیب، عملیات بستن پرونده قسد و پرونده فرمانده آن، علی‌علوی (مزدور کوچک آمریکا) پس از اتمام محوری آمریکایی‌ها در حال جریان است و آمریکا در ازای یک «حق بازنشستگی ناپذیر» یعنی گذاشتن چند کارمند در اینجا و آنجا، به خدمت او پایان می‌دهد؛ امری که ممکن است موقت باشد، چرا که مدیریت جوامع در منطقه در دست آمریکاست و اگر معاش‌الافتی تغییر در مواقع را داشته باشد، به حکام مزدور

به کاری بتواند برای موفقیت سوریه انجام خواهد داد. آر تی، ۲۰۲۵/۱۱/۱۱.

۳- (هاکان فیدان، وزیر خارجه ترکیه، در کاخ سفید هم‌زمان با سفر احمد الشرع به واشینگتن و دیدارش با ترامپ، راه‌های خروج از مشکلات موجود در سوریه را بررسی کرد. فیدان اعلام کرد که در کاخ سفید با رویو وزیر خارجه آمریکا، ویتکوف فرستاده ویژه رئیس‌جمهور، توماس باراک فرستاده آمریکا در سوریه و اسعد الشیعیان وزیر خارجه سوریه گفتگو کرده است و بعداً جی‌دی ونس، معاون رئیس‌جمهور آمریکا نیز به این نشست پیوست. در بیانیه آمده است که شرکت‌کنندگان در این نشست راه‌های ممکن برای خروج از مشکلات موجود در سوریه را بررسی کردند. آر تی، ۲۰۲۵/۱۱/۱۱.

۴- آمریکا در این میان، تحریم‌ها علیه سوریه را مرحله به مرحله لغو می‌کرد تا در هر مرحله اطمینان حاصل کند که احمد الشرع خود را به‌عنوان مزدوری وفادار به آمریکا ثابت می‌کند؛ به همین دلیل سوریه به انتالف بین‌المللی برای مبارزه با داعش پیوست: سوریه به انتالف بین‌المللی علیه داعش که در سال ۲۰۱۴ بر رهبری ایالات متحده شکل گرفت، پیوست. سورستان آمریکا در دمشق در یادداشتی در پلتفرم «X» در روز سه‌شنبه ۲۰۲۵/۱۱/۱۱ پیوستن سوریه به انتالف بین‌المللی علیه مبارزه با داعش را اعلام کرد و سوریه رسماً تدوین شریکی شد که در سال ۲۰۲۵/۱۱/۱۲ آنتالوی پیوست. آنتالوی ۲۰۲۵/۱۱/۱۲. سپس تحریم‌های آمریکا علیه سوریه لغو شد. دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، لغو قانون سزار را که از سال ۲۰۱۹ برای تحریم‌هایی بر سوریه وضع کرده بود، امضا کرد. الجزیره ۲۰۲۵/۱۱/۱۲.

سوم: در جریان حوادث کنونی، نیروهای قسد در حال مظلوم عبیدی، این عقب‌نشینی از غرب تاراج به در شرق آن‌ها، تومیسه دوستان و میاتجی‌گران سرگرفته‌است (صابت کردستان ۲۴. ۲۰۲۴/۰۱/۱۶). قطعا آمریکا در رأس این دوستان و میاتجی‌گران است که برای اجرای توافق قسد با دولت سوریه در تاریخ ۲۰۲۵/۰۳/۱۰ فشار می‌آورد؛ اقدامی که الشرع، رئیس‌جمهور سوریه و مظلوم عبیدی، فرمانده نیروهای دموکراتیک سوریه، روز دوشنبه توافقی را امضا کردند که بر اساس آن تمامی نهادهای غیرنظامی و نظامی وابسته به مدیریت خودگردان کردها در چارچوب دولت سوریه ادغام می‌شوند. الجزیره، ۲۰۲۵/۰۳/۱۰.

سیس دولت سوریه توافق دومی با قسد امضا کرده که به موجب آن قسد عقب‌نشینی کرده و فورا آستان‌های دیرالزور و رقه را تحویل می‌دهد. فرستاده آمریکا بر این توافق برکت داد و آن را یک نقطه چرخش سرزنش‌ساز دانست و تاکید کرد که آمریکا سوریه‌ای متحد می‌خواهد: توماس باراک، فرستاده آمریکا در دمشق، توافقی را که برای تفرقه می‌ریخت، آن را با مظلوم عبیدی اعلام کرد، یک نقطه چرخش سرزنش‌ساز دانست. باراک در پستی در پلتفرم ایکس گفت: این توافق، آتش‌بس نشان‌دهنده یک نقطه چرخش سرزنش‌ساز است، چرا که دشمنان سابق، شرکات را در جای تفرقه می‌ریختند. او تلاش‌های سازنده دو طرف برای دستیابی به توافقی که راه را برای بازسازی گفتگو و همکاری بمسوی سوریه‌ای متحد هموار می‌کند، ستود. تلویزیون الجزیره، ۲۰۲۴/۰۱/۱۸.

چهارم: جناح‌های تندرو در قسد، به‌ویژه آن‌ها که با حزب کارگران کردستان (PKK) همکاری دارند، اجرای توافق را به تأخیر می‌انداختند به این امید که گشایشی در قسد است برپایشان ایجاد شود؛ آن‌ها اصرار داشتند که ادغام با قسد ارتش باید به صورت یک بلوک واحد و نه به صورت انفرادی باشد. شبکه الجزیره در ۲۰۲۴/۰۱/۱۷ درباره نشست اربیل

نقل کرد که مظلوم عبیدی، فرمانده قسد، می‌خواست آمریکایی‌ها نقل مکان را برای ادغام در قالب ۳ لشکر در ارتش سوریه متقاعد کند، اما آن گشایش در موضع آمریکا نه در نشست اربیل و نه پیش از آن رخ نداد. ازاین‌رو دولت احمد الشرع تهاجم خود آغاز کرد، یعنی اجرای توافق با زور که از محلهای شهر حلب شروع شد؛ در نتیجه قسد ناچار شد توافق دومی را با دولت امضا کند که به موجب آن استان‌های دیرالزور و رقه را «فورا» تحویل دهد. آمریکا بر این توافق برکت داد. قسد، ماه‌طور همان که پیش‌تر گفتیم، در هر توافقی برای تأخیر تلاش می‌کرد؛ اما ورود عشاير عربی و هجوم آن‌ها به قسد دیگر مجالی برای این کار باقی نگذاشت، با وجود آنکه رئیس‌جمهور سوریه از عشاير خواست آرامش خود را حفظ کنند. (الشرق گفت: «به عشاير عرب خود توصیه می‌کنیم که آرامش را حفظ کرده و مجالی برای اجرای مفاد توافق فراهم نکنند». شبیه‌نظامیان عرب را روز شنبه در درگیری‌ها با نیروهای دموکراتیک سوریه به ارتش پیوسته بودند. CNN عربی، ۲۰۲۴/۰۱/۱۹).

پنجم: بدین ترتیب حوادث با سرعتی فوق‌العاده شتاب گرفت: ۱- دولت سوریه اعلام کرد که عملیات ادغام جنگجویان قسد بر پایه انفرادی خواهد بود و نه به‌عنوان یک بلوک یا لشکر نظامی در ارتش و وزارت کشور؛ دولت همچنان اطمینان‌بخش‌نامه‌های مخصوص حقوق «فرهنگی» ساکنان و اعطای تابعیت‌ها اعلام کرد. دولت عملاً تحویل گرفتن مناطق در استان‌های رقه و دیرالزور آغاز کرد و وارد استان حسکه شده و سیزده هزار نفر را از آنجا گستراند و برای تسد مجالی جهت مذاکره باقی نگذاشت مگر بر سر حسکه: (وزارت دفاع سوریه شاهکه دوشنبه اعلام کرد که آتش‌بس میان نیروهای سوریه و نیروهای قسد از ساعت ۸ شب به مدت ۴ روز برقرار می‌شود. این اقدام پس از اعلام ریاست‌جمهوری سوریه مبنی بر دستیابی به یک تفاهم مشترک میان دولت و قسد در مورد مسائل مربوط به آینده استان حسکه

کنترل زندان‌ها و اردوگاه‌های این سازمان است» (بی‌بی‌سی، ۲۰۲۴/۰۱/۲۰).

۲- در یادداشتی طولانی در صفحه خود در پلتفرم ایکس که توسط سفارت آمریکا در سوریه ترجمه شد، تصریح کرد: «امروز وضعیت به طور ریشه‌ای تغییر کرده است. سوریه اکنون دارای یک دولت مرکزی به رسمیت شناخته شده است و به انتالف بین‌المللی برای شکست‌دادن داعش پیوسته است (به‌عنوان تدوین عضو در اواخر سال ۲۰۲۵)». او درباره ادغام قسد در ارتش سوریه افزود: «این ادغام که با حمایت دیپلماتی آمریکا صورت می‌گیرد، قوی‌ترین فرصت تاکنون را پیش روی کرده‌ها قرار می‌دهد تا حقوق دائمی و امنیت پایدار خود را در چارچوب یک کشور به رسمیت شناخته شده سوریه تضمین کنند...» CNN عربی، ۲۰۲۴/۰۱/۲۱.

ب- (رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهور ترکیه، روز چهارشنبه گفت که نیروهای کرد در شمال سوریه باید فورا سلاح‌های خود را زمین بگذارند و صفوف خود را منحل کنند تا بدون خون‌ریزی بیشتر به راه‌جی دست یابند؛ این سخنان پس از آن بیان شد که دمشق به آن‌ها مهلتی ۴ روزه برای تدوین طرح ادغام حسکه در دولت مرکزی اعطا کرد. الجزیره نت، ۲۰۲۴/۰۱/۲۱).

ج- (ریاست‌جمهوری سوریه در بیانیه‌ای در روز دوشنبه اعلام کرد که احمد الشرع، رئیس‌جمهور انتقالی سوریه، تماسی تلفنی با دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا برقرار کرده است. بر اساس بیانیه‌ای که خبرگزاری رسمی سوریه (سانا) منتشر کرد: «دو رئیس‌جمهور در این تماس بر اهمیت حفظ یکپارچگی اراضی سوریه و استقلال آن و حمایت از تمام تلاش‌ها در راستای تحقق ثبات تاکید کردند و بر ضرورت تضمین حقوق و حمایت از مردم کرد در چارچوب دولت سوریه پافشاری نمودند» CNN عربی، ۲۰۲۴/۰۱/۱۹.

دوم: از همه این موارد روشن می‌شود که آمریکا در حال دادن چراغ‌سبز به احمد الشرع، رئیس‌جمهور سوریه، برای پایان‌دادن به قسد است. آمریکا امروز نیات خود را پنهان نمی‌کند و حتی خود را برای به کار بردن زبان دیپلماتیک نیز به زحمت نمی‌اندازد؛ بلکه آشکارا و در روز روشن اعلام می‌کند که تاریخ انتقاصی قسد به‌عنوان ابزار آمریکا برای مبارزه با «تروریسم» به پایان رسیده است و اینکه آمریکا امروز می‌خواهد بر ابزار بزرگ‌تری یعنی دولت احمد الشرع تکیه کند. پس هر دو، ابزارهای آمریکا هستند و آمریکا ابزارهایی را هرگونه که بخواهد تغییر می‌دهد. تمام این‌ها در کنار تحولات میدانی، به موارد بسیاری اشاره دارد که به شرح زیر ذکر می‌کنیم:

۱- مسئله جایگزینی مزدور با مزدوری دیگر: در انقلاب شام که آمریکا در درامدها کرد و ابواما را پیر ساخت، آمریکا همواره به دنبال مزدور قدرتمندی بود که توانایی حکمرانی داشته باشد تا از جایگزین مزدور خود، بشار، کند که سوریه علیه او قیام کرده بود. ما در پاسخ به سوالاتی در تاریخ ۲۰۲۵/۰۷/۲۴ گفتیم (پدین ترتیب روشن می‌شود که نقشه آمریکا در سوریه بر یک قاعده اصلی بنا شده و آن «جایگزینی مزدور با مزدوری دیگر» است و به همین دلیل به ترکیه چراغ‌سبز داد تا نظام بشار را تخریب کرده و نظامی جدید و وابسته به خود به کار کند). ترکیه و دستگاه امنیتی‌اش با ماهوریت آمریکایی را بر عهده گرفتند و شروع به آماده‌سازی احمد الشرع کردند که به «جولانی» معروف بود. ماه‌ها پیش از پایان دولت بایدن، آمریکا به ترکیه اجازه داد تا عملیات نظامی سوریه به مزدور جدید آمریکا، یعنی احمد الشرع را رهبری کند. ترکیه نیز به نهایت از آمریکا تماس با ایران و روسیه و بی‌طرف کردن نیروهای این دو کشور در سوریه را آغاز کرد؛ مدین ترتیب از بشار خواست کشور را ترک بیاورد و همین‌گونه شد. بدین ترتیب مزدور جدید به جای مزدور قدیم منصوب گشت و ترکیه همچنان حلقه اصلی اتصال آمریکا به او باقی ماند.

۲- آمریکا شروع به خواستن (مهرمات) بیشتری از مزدور جدید خود کرد و از نیز با فشار تکیه (پاسخ‌های پیاپی)، استجابی و پاسخ مثبت خود را ثابت نمود؛ پس پرچی را که در آن (توچید) بود بشار گذاشت و به جای آن پرچی سقار قرار داد! او بازنامه‌های خود را لغو کرد و همچنان به زندانی کردن جوانان خلافت ادامه داد؛ همانانی که برای تحقق بشارت رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم پس از این حکومت استبدادی که در آن زندگی می‌کنیم، تلاش می‌کنند؛ آنجا که فرمودند: «... سپس حکومتی جبری خواهد بود و تا زمانی که الله سبحانه‌وتعالی بخواهد باقی می‌ماند، سپس هرگاه او بخواهد آن را برمی‌دارد. آنگاه خلافتی بر منج نبوت خواهد بود. سپس سکوت کردند». او همچنین به درس قرآن کریم را در مدارس کاهش داد. ترامپ از او خواست که به بازخواست مکرر و شدید رژیم یهود که حتی به خود دمشق هم رسید پاسخ ندهد. سپس از او خواست با رژیم یهود مذاکره کند؛ پس دوماهی متوالی مذاکرات به رهبری وزیر خارجه‌اش، شیبانی، بدون هیچ شرم و پوایی از الله سبحانه‌وتعالی و رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و مومنان، به‌ویژه اهل غزه، صورت گرفت. خواسته‌های دولت احمد الشرع از رژیم یهود در جریان مذاکرات چنان ناپیز بود که حتی بشار مجرم در مذاکرات این سال ۲۰۲۰ که با میاتجی‌گری ترکیه پیش از شعلور شدن انقلاب شام برگزار شد، فرار از این‌ها مذاکره می‌کرد. با پذیرش انجام تمام این (مهرمات) از سوی الشرع، آمریکا یک خط مستقیم سیاسی با او باز کرد که به خطوط امنیتی و خطوط ترکیه پیوسته است؛ اولین گام سیاسی، دیدن ابن‌بسلمان (مزدور آمریکا) با احمد الشرع در ریاض در تاریخ ۲۰۲۵/۰۵/۱۴ بود. سپس این پیوندها گسترش یافت و احمد الشرع مورد تعجید رئیس‌جمهور آمریکا قرار گرفت تا جایی که در ۲۰۲۵/۱۱/۱۱ از سامت کا سفید از او استعفا شد. هرچند از درب بسته و بدون مراسم رسمی استعفا؛ (ترامپ دیشب اعلام کرد که با احمد الشرع، رئیس‌جمهور سوریه توافق کامل دارد و تاکید کرد واشینگتن

ادامه: ساهدی از اهل خودشان گواهی داد: که نظام بین‌الملل دروغی بزرگ است

اکتون این نظام بین‌الملل به لرزه افتاده و فساد و پوچی آن آشکار گشته است و بسیاری از کشورها از ظلم و استبداد آن شکایت دارند؛ چرا که این نظام به قدرتمندان اجازه می‌دهد بر ضعیفان چیره شده و آنان را سرکوب کند. گویا کسانی که نظام بین‌الملل را شکست داده و آمریکا قدرتمند شده، به همین جهت، «شورای ملع» را برای غزه تأسیس کرد و تلاش برای تبدیل آن به یک شورای بین‌المللی تحت ریاست خود و بدون حق وتو برای دیگران را آغاز نمود تا جایگزینی برای شورای امنیت باشد؛ شورایی که در آن پنج قدرت بزرگ حق وتو دارند و هیچ‌کس نمی‌تواند تصمیمی علیه آن‌ها بگیرد و آمریکا نیز نمی‌تواند بدون موافقت آن‌ها تصمیمی را به تصویب برساند.

کاری اعتراف کرد که نظام بین‌الملل بر پایه قواعدی جعلی استوار است، اما این جعل و تزویر آن‌گونه که او گفت «جزئی» نیست، بلکه کلی و از اساس است؛ چرا که کشورهای اروپایی مسیحی در سال ۱۶۴۸ در کنفرانس وستفالی آن را برای تنظیم روابط میان دولت و برای ایستادگی در برابر «دولت اسلامی» وضع کردند. آن‌ها از خود یک خانواده بین‌المللی برای اجرای قانون بین‌الملل ساخت خودشان پدید آوردند. اما این نظام با جنگ جهانی اول و فرارشیاد و پس از آن، در سال ۱۹۱۹ جامعه ملل را بنیان نهادند. این جامعه نیز پس از حدود یک دهه و اندی فروپاشید، چرا که کشورهای قدرتمند شروع به نقض قانون بین‌الملل و اشغال کشورهای دیگر کردند تا اینکه جنگ جهانی دوم شعلور شد. پس از جنگ، آمریکا و بریتانیا تأسیس سازمان ملل متحد و از جمله شورای امنیت را اعلام کردند تا قانون بین‌الملل را بر کشورهای مغلوب و ضعیف اجرا کنند.

برگانگستیه (عمل‌گرایی) و غرب‌زدگان در کشورهای اسلامی همواره فریب این نظام را خورده‌اند و آواز نظام بین‌الملل، جامعه جهانی و قانون بین‌الملل را سر می‌دهند و برای دادخواهی بمسوی می‌نشانند؛ یا این امید که به مسائل آن‌ها رسیدگی کند یا پاره‌ای غم‌سیده‌اشد از فلسطین را به آنان بازگرداند و یا دولتی فلسطینی را بنواسمی، برایشان برپا سازد؛ درحالی‌که رژیم یهود به هیچ‌کدام از این اهدافی نرسد و با حمایت آمریکا علیه آن ظفیان نمود؛ پس در غزه دست به نسل‌کشی زد و سیاست کرسنگی‌دادن را اجرا کرد و کانادا نیز با سلاح و پول از او حمایت نمود.

در میانه این نبرد فکری و سیاسی، واجب است که مسلمانان امروز درک کنند که رستگاری از طریق مشارکت مسوری در نظام‌های کافر به دست نخواهد آمد، بلکه از طریق تغییری همه‌جانبه حاصل می‌شود که این نظام‌ها را از ریشه درگروگن سازد.

ازاین‌رو، بر مسلمانان واجب است که امروز اعتماد خود را به اسلام بسپارند، نه به نهادهایی که در درون مظلومه‌های سر می‌دهند؛ چرا که آنان کروت‌های بسیاری کرده‌اند تا مردم را از اسلام دور کنند، اما ناگهان خود این اسلام است که خود را تحمیل می‌کند، قلب‌ها را هدایت می‌نماید، مفاهیم را تغییر می‌دهد و برای مردم ثابت می‌کند که اوست حق و اوست تنها امید بشریت.

در میانه این نبرد فکری و سیاسی، واجب است که مسلمانان امروز درک کنند که رستگاری از طریق مشارکت مسوری در نظام‌های کافر به دست نخواهد آمد، بلکه از طریق تغییری همه‌جانبه حاصل می‌شود که این نظام‌ها را از ریشه درگروگن سازد.

ازاین‌رو، بر مسلمانان واجب است که امروز اعتماد خود را به اسلام بسپارند، نه به نهادهایی که در درون مظلومه‌های سر می‌دهند؛ چرا که آنان کروت‌های بسیاری کرده‌اند تا مردم را از اسلام دور کنند، اما ناگهان خود این اسلام است که خود را تحمیل می‌کند، قلب‌ها را هدایت می‌نماید، مفاهیم را تغییر می‌دهد و برای مردم ثابت می‌کند که اوست حق و اوست تنها امید بشریت.

در میانه این نبرد فکری و سیاسی، واجب است که مسلمانان امروز درک کنند که رستگاری از طریق مشارکت مسوری در نظام‌های کافر به دست نخواهد آمد، بلکه از طریق تغییری همه‌جانبه حاصل می‌شود که این نظام‌ها را از ریشه درگروگن سازد.

ازاین‌رو، بر مسلمانان واجب است که امروز اعتماد خود را به اسلام بسپارند، نه به نهادهایی که در درون مظلومه‌های سر می‌دهند؛ چرا که آنان کروت‌های بسیاری کرده‌اند تا مردم را از اسلام دور کنند، اما ناگهان خود این اسلام است که خود را تحمیل می‌کند، قلب‌ها را هدایت می‌نماید، مفاهیم را تغییر می‌دهد و برای مردم ثابت می‌کند که اوست حق و اوست تنها امید بشریت.

ازاین‌رو، بر مسلمانان واجب است که امروز اعتماد خود را به اسلام بسپارند، نه به نهادهایی که در درون مظلومه‌های سر می‌دهند؛ چرا که آنان کروت‌های بسیاری کرده‌اند تا مردم را از اسلام دور کنند، اما ناگهان خود این اسلام است که خود را تحمیل می‌کند، قلب‌ها را هدایت می‌نماید، مفاهیم را تغییر می‌دهد و برای مردم ثابت می‌کند که اوست حق و اوست تنها امید بشریت.

ازاین‌رو، بر مسلمانان واجب است که امروز اعتماد خود را به اسلام بسپارند، نه به نهادهایی که در درون مظلومه‌های سر می‌دهند؛ چرا که آنان کروت‌های بسیاری کرده‌اند تا مردم را از اسلام دور کنند، اما ناگهان خود این اسلام است که خود را تحمیل می‌کند، قلب‌ها را هدایت می‌نماید، مفاهیم را تغییر می‌دهد و برای مردم ثابت می‌کند که اوست حق و اوست تنها امید بشریت.

ازاین‌رو، بر مسلمانان واجب است که امروز اعتماد خود را به اسلام بسپارند، نه به نهادهایی که در درون مظلومه‌های سر می‌دهند؛ چرا که آنان کروت‌های بسیاری کرده‌اند تا مردم را از اسلام دور کنند، اما ناگهان خود این اسلام است که خود را تحمیل می‌کند، قلب‌ها را هدایت می‌نماید، مفاهیم را تغییر می‌دهد و برای مردم ثابت می‌کند که اوست حق و اوست تنها امید بشریت.

ازاین‌رو، بر مسلمانان واجب است که امروز اعتماد خود را به اسلام بسپارند، نه به نهادهایی که در درون مظلومه‌های سر می‌دهند؛ چرا که آنان کروت‌های بسیاری کرده‌اند تا مردم را از اسلام دور کنند، اما ناگهان خود این اسلام است که خود را تحمیل می‌کند، قلب‌ها را هدایت می‌نماید، مفاهیم را تغییر می‌دهد و برای مردم ثابت می‌کند که اوست حق و اوست تنها امید بشریت.

ازاین‌رو، بر مسلمانان واجب است که امروز اعتماد خود را به اسلام بسپارند، نه به نهادهایی که در درون مظلومه‌های سر می‌دهند؛ چرا که آنان کروت‌های بسیاری کرده‌اند تا مردم را از اسلام دور کنند، اما ناگهان خود این اسلام است که خود را تحمیل می‌کند، قلب‌ها را هدایت می‌نماید، مفاهیم را تغییر می‌دهد و برای مردم ثابت می‌کند که اوست حق و اوست تنها امید بشریت.

ازاین‌رو، بر مسلمانان واجب است که امروز اعتماد خود را به اسلام بسپارند، نه به نهادهایی که در درون مظلومه‌های سر می‌دهند؛ چرا که آنان کروت‌های بسیاری کرده‌اند تا مردم را از اسلام دور کنند، اما ناگهان خود این اسلام است که خود را تحمیل می‌کند، قلب‌ها را هدایت می‌نماید، مفاهیم را تغییر می‌دهد و برای مردم ثابت می‌کند که اوست حق و اوست تنها امید بشریت.

ازاین‌رو، بر مسلمانان واجب است که امروز اعتماد خود را به اسلام بسپارند، نه به نهادهایی که در درون مظلومه‌های سر می‌دهند؛ چرا که آنان کروت‌های بسیاری کرده‌اند تا مردم را از اسلام دور کنند، اما ناگهان خود این اسلام است که خود را تحمیل می‌کند، قلب‌ها را هدایت می‌نماید، مفاهیم را تغییر می‌دهد و برای مردم ثابت می‌کند که اوست حق و اوست تنها امید بشریت.

ازاین‌رو، بر مسلمانان واجب است که امروز اعتماد خود را به اسلام بسپارند، نه به نهادهایی که در درون مظلومه‌های سر می‌دهند؛ چرا که آنان کروت‌های بسیاری کرده‌اند تا مردم را از اسلام دور کنند، اما ناگهان خود این اسلام است که خود را تحمیل می‌کند، قلب‌ها را هدایت می‌نماید، مفاهیم را تغییر می‌دهد و برای مردم ثابت می‌کند که اوست حق و اوست تنها امید بشریت.

ازاین‌رو، بر مسلمانان واجب است که امروز اعتماد خود را به اسلام بسپارند، نه به نهادهایی که در درون مظلومه‌های سر می‌دهند؛ چرا که آنان کروت‌های بسیاری کرده‌اند تا مردم را از اسلام دور کنند، اما ناگهان خود این اسلام است که خود را تحمیل می‌کند، قلب‌ها را هدایت می‌نماید، مفاهیم را تغییر می‌دهد و برای مردم ثابت می‌کند که اوست حق و اوست تنها امید بشریت.

ازاین‌رو، بر مسلمانان واجب است که امروز اعتماد خود را به اسلام بسپارند، نه به نهادهایی که در درون مظلومه‌های سر می‌دهند؛ چرا که آنان کروت‌های بسیاری کرده‌اند تا مردم را از اسلام دور کنند، اما ناگهان خود این اسلام است که خود را تحمیل می‌کند، قلب‌ها را هدایت می‌نماید، مفاهیم را تغییر می‌دهد و برای مردم ثابت می‌کند که اوست حق و اوست تنها امید بشریت.

ازاین‌رو، بر مسلمانان واجب است که امروز اعتماد خود را به اسلام بسپارند، نه به نهادهایی که در درون مظلومه‌های سر می‌دهند؛ چرا که آنان کروت‌های بسیاری کرده‌اند تا مردم را از اسلام دور کنند، اما ناگهان خود این اسلام است که خود را تحمیل می‌کند، قلب‌ها را هدایت می‌نماید، مفاهیم را تغییر می‌دهد و برای مردم ثابت می‌کند که اوست حق و اوست تنها امید بشریت.

ازاین‌رو، بر مسلمانان واجب است که امروز اعتماد خود را به اسلام بسپارند، نه به نهادهایی که در درون مظلومه‌های سر می‌دهند؛ چرا که آنان کروت‌های بسیاری کرده‌اند تا مردم را از اسلام دور کنند، اما ناگهان خود این اسلام است که خود را تحمیل می‌کند، قلب‌ها را هدایت می‌نماید، مفاهیم را تغییر می‌دهد و برای مردم ثابت می‌کند که اوست حق و اوست تنها امید بشریت.

ازاین‌رو، بر مسلمانان واجب است که امروز اعتماد خود را به اسلام بسپارند، نه به نهادهایی که در درون مظلومه‌های سر می‌دهند؛ چرا که آنان کروت‌های بسیاری کرده‌اند تا مردم را از اسلام دور کنند، اما ناگهان خود این اسلام است که خود را تحمیل می‌کند، قلب‌ها را هدایت می‌نماید، مفاهیم را تغییر می‌دهد و برای مردم ثابت می‌کند که اوست حق و اوست تنها امید بشریت.

ازاین‌رو، بر مسلمانان واجب است که امروز اعتماد خود را به اسلام بسپارند، نه به نهادهایی که در درون مظلومه‌های سر می‌دهند؛ چرا که آنان کروت‌های بسیاری کرده‌اند تا مردم را از اسلام دور کنند، اما ناگهان خود این اسلام است که خود را تحمیل می‌کند، قلب‌ها را هدایت می‌نماید، مفاهیم را تغییر می‌دهد و برای مردم ثابت می‌کند که اوست حق و اوست تنها امید بشریت.

ازاین‌رو، بر مسلمانان واجب است که امروز اعتماد خود را به اسلام بسپارند، نه به نهادهایی که در درون مظلومه‌های سر می‌دهند؛ چرا که آنان کروت‌های بسیاری کرده‌اند تا مردم را از اسلام دور کنند، اما ناگهان خود این اسلام است که خود را تحمیل می‌کند، قلب‌ها را هدایت می‌نماید، مفاهیم را تغییر می‌دهد و برای مردم ثابت می‌کند که اوست حق و اوست تنها امید بشریت.

ازاین‌رو، بر مسلمانان واجب است که امروز اعتماد خود را به اسلام بسپارند، نه به نهادهایی که در درون مظلومه‌های سر می‌دهند؛ چرا که آنان کروت‌های بسیاری کرده‌اند تا مردم را از اسلام دور کنند، اما ناگهان خود این اسلام است که خود را تحمیل می‌کند، قلب‌ها را هدایت می‌نماید، مفاهیم را تغییر می‌دهد و برای مردم ثابت می‌کند که اوست حق و اوست تنها امید بشریت.

ازاین‌رو، بر مسلمانان واجب است که امروز اعتماد خود را به اسلام بسپارند، نه به نهادهایی که در درون مظلومه‌های سر می‌دهند؛ چرا که آنان کروت‌های بسیاری کرده‌اند تا مردم را از اسلام دور کنند، اما ناگهان خود این اسلام است که خود را تحمیل می‌کند، قلب‌ها را هدایت می‌نماید، مفاهیم را تغییر می‌دهد و برای مردم ثابت می‌کند که اوست حق و اوست تنها امید بشریت.

ازاین‌رو، بر مسلمانان واجب است که امروز اعتماد خود را به اسلام بسپارند، نه به نهادهایی که در درون مظلومه‌های سر می‌دهند؛ چرا که آنان کروت‌های بسیاری کرده‌اند تا مردم را از اسلام دور کنند، اما ناگهان خود این اسلام است که خود را تحمیل می‌کند، قلب‌ها را هدایت می‌نماید، مفاهیم را تغییر می‌دهد و برای مردم ثابت می‌کند که اوست حق و اوست تنها امید بشریت.

ازاین‌رو، بر مسلمانان واجب است که امروز اعتماد خود را به اسلام بسپارند، نه به نهادهایی که در درون مظلومه‌های سر می‌دهند؛ چرا که آنان کروت‌های بسیاری کرده‌اند تا مردم را از اسلام دور کنند، اما ناگهان خود این اسلام است که خود را تحمیل می‌کند، قلب‌ها را هدایت می‌نماید، مفاهیم را تغییر می‌دهد و برای مردم ثابت می‌کند که اوست حق و اوست تنها امید بشریت.

ازاین‌رو، بر مسلمانان واجب است که امروز اعتماد خود را به اسلام بسپارند، نه به نهادهایی که در درون مظلومه‌های سر می‌دهند؛ چرا که آنان کروت‌های بسیاری کرده‌اند تا مردم را از اسلام دور کنند، اما ناگهان خود این اسلام است که خود را تحمیل می‌کند، قلب‌ها را هدایت می‌نماید، مفاهیم را تغییر می‌دهد و برای مردم ثابت می‌کند که اوست حق و اوست تنها امید بشریت.

ازاین‌رو، بر مسلمانان واجب است که امروز اعتماد خود را به اسلام بسپارند، نه به نهادهایی که در درون مظلومه‌های سر می‌دهند؛ چرا که آنان کروت‌های بسیاری کرده‌اند تا مردم را از اسلام دور کنند، اما ناگهان خود این اسلام است که خود را تحمیل می‌کند، قلب‌ها را هدایت می‌نماید، مفاهیم را تغییر می‌دهد و برای مردم ثابت می‌کند که اوست حق و اوست تنها امید بشریت.

ازاین‌رو، بر مسلمانان واجب است که امروز اعتماد خود را به اسلام بسپارند، نه به نهادهایی که در درون مظلومه‌های سر می‌دهند؛ چرا که آنان کروت‌های بسیاری کرده‌اند تا مردم را از اسلام دور کنند، اما ناگهان خود این اسلام است که خود را تحمیل می‌کند، قلب‌ها را هدایت می‌نماید، مفاهیم را تغییر می‌دهد و برای مردم ثابت می‌کند که اوست حق و اوست تنها امید بشریت.

ازاین‌رو، بر مسلمانان واجب است که امروز اعتماد خود را به اسلام بسپارند، نه به نهادهایی که در درون مظلومه‌های سر می‌دهند؛ چرا که آنان کروت‌های بسیاری کرده‌اند تا مردم را از اسلام دور کنند، اما ناگهان خود این اسلام است که خود را تحمیل می‌کند، قلب‌ها را هدایت می‌نماید، مفاهیم را تغییر می‌دهد و برای مردم ثابت می‌کند که اوست حق و اوست تنها امید بشریت.

ازاین‌رو، بر مسلمانان واجب است که امروز اعتماد خود را به اسلام بسپارند، نه به نهادهایی که در درون مظلومه‌های سر می‌دهند؛ چرا که آنان کروت‌های بسیاری کرده‌اند تا مردم را از اسلام دور کنند، اما ناگهان خود این اسلام است که خود را تحمیل می‌کند، قلب‌ها را هدایت می‌نماید، مفاهیم را تغییر می‌دهد و برای مردم ثابت می‌کند که اوست حق و اوست تنها امید بشریت.

ازاین‌رو، بر مسلمانان واجب است که امروز اعتماد خود را به اسلام بسپارند، نه به نهادهایی که در درون مظلومه‌های سر می‌دهند؛ چرا که آنان کروت‌های بسیاری کرده‌اند تا مردم را از اسلام دور کنند، اما ناگهان خود این اسلام است که خود را تحمیل می‌کند، قلب‌ها را هدایت می‌نماید، مفاهیم را تغییر می‌دهد و برای مردم ثابت می‌کند که اوست حق و اوست تنها امید بشریت.

ازاین‌رو، بر مسلمانان واجب است که امروز اعتماد خود را به اسلام بسپارند، نه به نهادهایی که در درون مظلومه‌های سر می‌دهند؛ چرا که آنان کروت‌های بسیاری کرده‌اند تا مردم را از اسلام دور کنند، اما ناگهان خود این اسلام است که خود را تحمیل می‌کند، قلب‌ها را هدایت می‌نماید، مفاهیم را تغییر می‌دهد و برای مردم ثابت می‌کند که اوست حق و اوست تنها امید بشریت.

ازاین‌رو، بر مسلمانان واجب است که امروز اعتماد خود را به اسلام بسپارند، نه به نهادهایی که در درون مظلومه‌های سر می‌دهند؛ چرا که آنان کروت‌های بسیاری کرده‌اند تا مردم را از اسلام دور کنند، اما ناگهان خود این اسلام است که خود را تحمیل می‌کند، قلب‌ها را هدایت می‌نماید، مفاهیم را تغییر می‌دهد و برای مردم ثابت می‌کند که اوست حق و اوست تنها امید بشریت.

ازاین‌رو، بر مسلمانان واجب است که امروز اعتماد خود را به اسلام بسپارند، نه به نهادهایی که در درون مظلومه‌های سر می‌دهند؛ چرا که آنان کروت‌های بسیاری کرده‌اند تا مردم را از اسلام دور کنند، اما ناگهان خود این اسلام است که خود را تحمیل می‌کند، قلب‌ها را هدایت می‌نماید، مفاهیم را تغییر می‌دهد و برای مردم ثابت می‌کند که اوست حق و اوست تنها امید بشریت.

ازاین‌رو، بر مسلمانان واجب است که امروز اعتماد خود را به اسلام بسپارند، نه به نهادهایی که در درون مظلومه‌های سر می‌دهند؛ چرا که آنان کروت‌های بسیاری کرده‌اند تا مردم را از اسلام دور کنند، اما ناگهان خود این اسلام است که خود را تحمیل می‌کند، قلب‌ها را هدایت می‌نماید، مفاهیم را تغییر می‌دهد و برای مردم ثابت می‌کند که اوست حق و اوست تنها امید بشریت.

ازاین‌رو، بر مسلمانان واجب است که امروز اعتماد خود را به اسلام بسپارند، نه به نهادهایی که در درون مظلومه‌های سر می‌دهند؛ چرا که آنان کروت‌های بسیاری کرده‌اند تا مردم را از اسلام دور کنند، اما ناگهان خود این اسلام است که خود را تحمیل می‌کند، قلب‌ها را هدایت می‌نماید، مفاهیم را تغییر می‌دهد و برای مردم ثابت می‌کند که اوست حق و اوست تنها امید بشریت.

ازاین‌رو، بر مسلمانان واجب است که امروز اعتماد خود را به اسلام بسپارند، نه به نهادهایی که در درون مظلومه‌های سر می‌دهند؛ چرا که آنان کروت‌های بسیاری کرده‌اند تا مردم را از اسلام دور کنند، اما ناگهان خود این اسلام است که خود را تحمیل می‌کند، قلب‌ها را هدایت می‌نماید، مفاهیم را تغییر می‌دهد و برای مردم ثابت می‌کند که اوست حق و اوست تنها امید بشریت.

ازاین‌رو، بر مسلمانان واجب است که امروز اعتماد خود را به اسلام بسپارند، نه به نهادهایی که در درون مظلومه‌های سر می‌دهند؛ چرا که آنان کروت‌های بسیاری کرده‌اند تا مردم را از اسلام دور کنند، اما ناگهان خود این اسلام است که خود را تحمیل می‌کند، قلب‌ها را هدایت می‌نماید، مفاهیم را تغییر می‌دهد و برای مردم ثابت می‌کند که اوست حق و اوست تنها امید بشریت.

</

هنگامی که فساد ابزاری برای حکمرانی است و نه یک اختلال اداری!

استاد نبیل عبدالکریم

فساد همیشه یک اشتباه در دفاتر دولتی، یا عیبی در سیستم ها و وابسته است. ساختار اداری، و یا نتیجه ضعف شایستگی‌ها یا کمبود منابع نیست؛ آن‌گونه که دولت در بسیاری از اوقات تلاش می‌کند اهل مملکت خود را به آن قانع سازد. در برخی کشورها، فساد منظم‌تر از خود قانون، کارآمدتر از نهاده‌ا، و مادقانونتر از طبیعت حاکمیت موجود است. در آنجا فساد در سایه و پنهانی مدیریت نمی‌شود، بلکه آشکارا و بدون آنکه نامی بر آن نهاده شود مدیریت می‌گردد، و نه به‌معنای یک استثنا که باید درمان شود، بلکه به‌معنای ابزاری برای حکمرانی به کار می‌رود!

فساد در گفتمان رسمی، به‌ویژه در کشورهای وابسته، به‌معنای یک انحراف اداری یا رفتار فردی ناشی از ضعف نظارت یا نقص قوانین معرفی می‌شود. بااین‌حال، این توصیف علم‌رغ رواج آن، عبق این پدیده و قدرت آن برای تداوم در طول دهه‌ها را تفسیر نمی‌کند و شکست‌های مکرر اکثر تلاش‌ها برای مبارزه با آن را توضیح نمی‌دهد. این امر بیانگر آن است که فساد در بسیاری از نظام‌ها، یک اختلال نظیفور نیست، بلکه ابزار مرکزی حکمرانی است که آگاهانه مدیریت می‌شود و برای کنترل نخبگان، توزیع مجدد وفاداری‌ها و تضمین بقای قدرت به کار می‌رود.

در این سیاق، این پرسش صحیح نیست که: چرا دولت شکست خورد؟ بلکه به شایسته‌تر آن است که پرسیده شود: چگونه نظام وجود شکست دولت، در بقای خود موفق شد؟ و چگونه اموال عمومی از منبعی برای خدمات، به وسیله‌ای برای کنترل، و از یک اختلال اداری به یک منطق حکمرانی یکپارچه تبدیل شد؟

بر این اساس، می‌توان کشورها را به سه الگوی اصلی دست‌بندی کرد:

کشورهای اقتدارگرای شکننده و وابسته: که در آن‌ها فساد به یک نظام موازی، و بلکه به سئون فقرات حکمرانی تبدیل می‌شود. کشورهای باثبات، که اغلب کشورهای بزرگی هستند که تحت حاکمیت قانون وضع شده در چارچوب سرمایه‌داری قرار دارند؛ جایی که فساد یک استثنا در درون یک منظومه قانونی است که در اصل با کارایی فعالیت می‌کند.

به خاطر همین کشورها بزرگ است که تمامی بلاد مسلمین در فساد غوطهور بوده و از آن رنج می‌برند؛ و کشورهای بزرگ این فساد را حفظ می‌کنند؛ زیرا بزرگترین بهره‌بردار از آن فساد‌ها را برای حفظ منافع خود و تضمین وابستگی حکام بلاد مسلمانان، به خود است. کشورهای مدبانی (ایدئولوژیک): که اساسا زمین فساد را تغییر می‌دهند (اصلاح می‌کنند) و از همان ابتدا اجازه رشد به آن نمی‌دهند.

به هر یک از این الگوها به صورت جداگانه خواهیم پرداخت. اول: فساد از ابزار حکمرانی به زمین سیاسی در این الگوی کشورها، از فساد نه به‌معنای یک گناه اخلاقی، بلکه به‌معنای یک انتخاب سیاسی و ساختار حکمرانی بحث می‌شود. این نظام به توازن دقیقی میان مراکز قدرت متعدد تکیه دارند، نظامی، اقتصادی، قبیله‌ای، حزبی یا فرقه‌ای... و از آنجا که معمولا فاقد مشروعیت نهادی واقعی هستند، به فساد به‌معنای وسیله‌ای برای تضمین وفاداری پناه می‌برند.

تصاب اموال عمومی، کنترل قرارداده‌ا و قرار از پاسنگویی مجاز شمرده می‌شود. اما این «اجازه» برای همگان در دسترس نیست، بلکه مشروط به وفاداری سیاسی است. در اینجا فساد به شمشیری دو لبه تبدیل می‌شود؛ پاداشی برای وفاداران، و ابزاری را دانی برای باج‌گیری از آنان؛ چرا که پرورنده‌هایشان در هر لحظه قابل بازگشایی است.

اما کارزارهای «مبارزه با فساد» در این کشورها، اغلب از همان آغاز سیاسی هستند؛ افراد را هدف قرار می‌دهند و نه نظام را، و برای تسویه‌حساب‌های داخلی در درون خود نظام به کار می‌روند. این کارزارها جز در زمان تغییر موازنه قدرت یا نیاز به بازچینی نخبگان، با ارسال پیام‌ها یا یادارنده به طرف‌هایی مشخص، به حرکت در نمی‌آیند. بدین ترتیب، مبارزه با فساد به یک ابزار صرفا سیاسی تبدیل می‌شود و نه یک پروژه اصلاحی واقعی.

این کشورها رابطه میان حکم و محکوم بر پایه مالیت و پاسنگویی بنا نشده، بلکه بر پایه توزیع رانت استوار است. فساد در قالب قراردادهای انحصاری، انحصارات واردات، زمین‌ها و املاک، و معصب‌بودن برای غارت بر اساس وفاداری و نه شایستگی توزیع می‌شوند، اعطا می‌گردد. همچنین به دستگاه‌های حساس امنیتی و نظامی (صمای دولت)، امتیازات اقتصادی و مصونیت از پاسنگویی داده می‌شود؛ نه از روی غفلت نظام، بلکه به این دلیل که بقای نظام با بقای بهره‌مندی آن‌ها گره‌خورده است.

هنگامی که اختلافی در درون نخبگان حاکم رخ می‌دهد، ناگهان پرورنده‌های فساد «دقیق و مستند» از طریق دزد اطاعت حصاب‌شده پدیدار می‌شوند که این خود تایید می‌کند فساد مقدم و پذیرفته شده بود. اما جایگاه صاحب آن فساد در ترازوی قدرت تغییر کرده است. اغلب این نظام‌ها به یک کشور بزرگ که تابع آن هستند وابسته‌اند و حتی در موارد درگیری بین‌المللی، افراد تغییر می‌کنند؛ اما نظام جایگزین نمی‌شود.

این الگو نماینده اکثر کشورهای عربی، آمریکای لاتین، بخش‌هایی از آسیا و بیشتر کشورهای آفریقایی، یعنی کشورهای به لحاظ ساختاری

نقش عملکردی ترکیه اردوغان در زمینه‌سازی برای عادی‌سازی روابط با یهود

استاد مونسی حمید - ولایت عراق

عادی‌سازی روابط با یهود دیگر به اتفاق غافلگیرکننده یا یک استثنا در صحنه سیاسی نیست، بلکه به مسیری تبدیل شده است که با دقت مدیریت می‌شود؛ مسیری که در آن نقش‌ها میان قدرت‌های بزرگ و کشورهای منطقه‌ای تقسیم شده و به‌تدریجی می‌گردند و پس از فرسودن ملت‌ها بازاریابی می‌شوند تا جایی که ملت‌ها اعتماد خود را به امکان تغییر از پاشیدن مقاومت اخلاقی و سیاسی استفاده می‌گردد.

در این سیاق، نقش ترکیه به‌معنای یکی از پیچیده‌ترین و گیج‌کننده‌ترین نقش‌ها برحسبه می‌شود؛ نه به این دلیل که رهبر پروژه عادی‌سازی است، بلکه به این دلیل که وقیفه خبیثانه زمینه‌سازی و مهار را ایفا می‌کند. اردوغان در گفتمان سیاسی و رسانه‌ای خویش، خود را به‌معنای حامی آرمان فلسطین و مخالف تجاوزگری یهود معرفی می‌برد، و زبان عاطفی تندّی را در دفاع از قدس و غزه به کار می‌برد. بااین‌حال، این گفتمان هنگامی که مورد بررسی نقادانه قرار می‌گیرد، فاش می‌گردد که ترکیه روابط دیپلماتیک کاملی با یهود دارد و روابط تجاری‌اش با آن‌ها شاهد صعود مستمر است، افزون بر اینکه در پرورنده‌های حساس منطقه‌ای ماهدنگی امنیتی دارند.

این تضاد میان گفتمان و عمل را نمی‌توان به‌معنای یک دوگنگی گذرا تفسیر کرد، بلکه این یک سیاست آگاهانه است که هدف آن جذب خشم مردمی اسلامی و حفظ ادغام در نظام‌های منطقه‌ای و بین‌المللی است. خطر نقش ترکیه در همین‌جا نهفته است: عادی‌سازی بدون شوک و عقب‌نشینی بدون اعلام رسمی، عرصه سوریه به دلیل حضور نظامی، تسلط بر مناطق وسیعی در شمال سوریه، نفوذ بر گروه‌های مسلح و در دست داشتن پرورنده‌های پناهمویان، اقتصاد و گذرگاه‌ها، از جمله عرصه‌هایی است که بیشترین تأثیر را از سیاست ترکیه پذیرفته است. در این راستا، اردوغان سوری‌ها را به طور مستقیم به سمت عادی‌سازی با یهود هل نمی‌دهد، بلکه آن‌ها را در معرض مسیری پلوتوناری و مؤثرتر قرار می‌دهد که اساس آن فرسایش و بازچینی اوبیونت‌هاست تا آگاهی سوری‌ها به تدریج بازسازی شود و دغدغه‌های معیشتی بر آرمان‌های بزرگ مقدم گردد. نقش ویژه‌ای را در فرآیند عادی‌سازی ایفا می‌کند، به‌طوری‌که به یلی میان ملت‌های مخالف و نظام‌های سازشگر، میانجی‌گری روانی برای کاهش شوک، و ابزاری برای مهار آگاهی اسامی بدون درگیری مستقیم تبدیل می‌شود؛ چرا که این کشور در صدر پروژه قرار نمی‌گیرد، اما در پیشبرد آن با کمترین هزینه سیاسی ممکن سهیم است.

نظام ازبکستان به شورای اشغال غزه می‌پیوندد

شیرزاد اسدوف، سخنگوی رئیس‌جمهور ازبکستان، پذیرش پیشنهاد ترامپ مبنی بر پیوستن به این شورا به‌معنای یک کشور مؤسس را اعلام کرد. میر ضیایف در پیام خود به ترامپ، این ابتکار عمل را «گامی مهم به‌سوی حل نزاع‌های مزمن در خاورمیانه و تضمین صلح و ثبات در کل منطقه» توصیف کرد.

علی‌رغم اینکه نظام ازبکستان یک طرفدار بی‌طرف و متوازن» را در سیاست رسمی خود ترویج می‌کند، اما پیوستن آن به ساختاری که توسط آمریکا راه‌اندازی شده و پیوندی ساختگنی با منافع رژیم یهود دارد، عمّا به معنای راه کردن بی‌طرفی است. عضویت این کشور در «شورای صلح» آن را به شریکی مستقیم در سیاست‌های آمریکا در خاورمیانه و به‌ویژه در جنبات ارتکابی در غزه تبدیل می‌کند. این تصمیم، تعهدات سیاسی، مالی و حتی نظامی سنگینی را بر این کشور تحمیل خواهد کرد، از جمله:

۱- حمایت دیپلماتیک: تقویت فعالیت‌های شورا و کاهش سایر کشورها. بر این اساس، ازبکستان موظف خواهد بود از فعالیت‌های شورا در عرصه بین‌المللی حمایت کرده، به آن مشروعیت ببخشد و اقدامات دیپلماتیک مؤثری را برای وارد کردن سایر کشورها به این ساختار انجام دهد. این امر عمّا به معنای تبدیل شدن به حامی ابتکارها آمریکایی است.

۲- تعهد مالی: طبق برنامه، این شورا صندوق‌های بین‌المللی را برای بازسازی غزه ایجاد خواهد کرد. هزینه دستیابی به یک کرسی دائمی، یک میلیارد دلار آمریکا خواهد بود؛ که این باری مالی و سنگین برای کشوری است که خود از مشکلات داخلی رنج می‌برد.

۳- تعهدات نظامی و امنیتی: اعضای شورا مجبور خواهند شد به بهانه خلع سلاح غزه و تضمین امنیت، نیروهای خود را اعزام کنند. این موضوع خطر کشیده شدن مستقیم ازبکستان به گرداب درگیری‌های نظامی و سیاسی را افزایش می‌دهد.

وراحل عملی مسئله غزه، نیازمند قدرتی سیاسی است که توانایی برچیدن رژیم یهود از سرزمین مبارک و بیرون‌راندن قدرتهای پشت پرده آن از بلاد اسلامی را داشته باشد. این قدرت، همان خلافت است؛ لذا بر مسلمانان واجب است که برای برپایی خلافت راشده بر منحن نبوت تلاش کنند.

آنچه در انتظار امت اسلامی است، به هنگام برپایی قریب‌الوقوع خلافت به اذن الله سبحانه‌وتعالی

آنچه با برپایی خلافت در آینده‌ای نزدیک به اذن الله سبحانه‌وتعالی است انتظار امت اسلامی است؛ یک روای دست‌یافتنی با خیالی تاریخی نیست، بلکه وعده‌ای الهی و ستنی تاریخی است. با برپایی خلافت، وحدت سیاسی امت باز می‌گردد، مرزهای ساختگی از میان می‌رود و مسلمانان زیر یک پرچم واحد گرد هم می‌آیند؛ حکم به آنچه الله سبحانه‌وتعالی نازل کرده است باز می‌گردد و بدین ترتیب عدالت محقق شده، حقوق میزدار می‌گردد، ثروتها به شکلی عادلانه توزیع می‌شود و مقدرات امت به نفع پیروانش و نه به نفع استعمارگران سرمایه‌داری می‌گردد.

با برپایی خلافت، امت جایگاه بین‌المللی خود را باز می‌یابد؛ نه به‌معنای یک پیرو در نظام جهانی ظالم، بلکه به‌معنای دولتی بزرگ که حامل پروژه‌ای تمدنی و جایگزین است، پروژه‌ای مبتنی بر عدل و رحمت که تمام بشریت را نه با زور و استعمار، بلکه با دعوت و جذب به‌سوی اسلام فرا می‌خواند.

فراتر از همه این‌ها، برپایی خلافت یک گزینه سیاسی در میان گزینه‌های دیگر یا یک پروژه فکری قابل رد و تأیید نیست، بلکه فرضی شرعی و واجب بر تمام امت است که با ترک آن گناهکار شده و در پیشگاه الله سبحانه‌وتعالی بابت آن محاسبه می‌شوند. امت در طول تاریخ خود بر وجوب نصب خلیف و اینکه تطهیرکردن این فرض معنیتی بزرگ است، اجماع داشته است. گذشت پیش از یک قرن از غیبت خلافت، گناه را برنمی‌دارد؛ بلکه مسئولیت را سنگین‌تر می‌کند و پرسش را در روز حساب سخت‌تر می‌گرداند که: چرا به جایگزین‌ها راضی شدید و در برابر تعطیل‌شدن حکم الله سبحانه‌وتعالی سکوت کردید؟ بر این اساس تأکید می‌کنیم که تلاش برای برپایی خلافت، واجب شده و این یک فعالیت سیاسی، فکری و مدنیایی است که به پایه بازگرداندن اسلام به مرکز زندگی، ایجاد افکار عمومی آگاه نسبت به این فرض، و طلب نصرت از اهل قدرت و شوکت در امت استوار است؛ همان‌گونه که رسول‌الله صلی‌الله‌وآلوه‌وسلم هنگام برپایی دولت در مدینه انجام دادند.